

بررسی مقایسه‌ای قید در زبان‌های روسی و فارسی

حسین لسانی

دانشیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۳/۵/۱۷

تاریخ تأیید نهایی: ۸۳/۸/۲

چکیده

در زبان روسی و فارسی، قید یکی از انواع کلام است که از لحاظ حالات صرفی تغییر نمی‌کند. از لحاظ نحوی، قید در هر دو زبان می‌تواند در کنار خود متمم داشته باشد. برخی از زبان‌شناسان، قید تفضیلی را همان قید تغییر یافته محسوب می‌کنند و معتقدند که قید در زبان روسی تغییر می‌کند. در زبان فارسی نقش نحوی واژه در جمله می‌تواند وجه تمایز قید از صفت باشد. در هر دو زبان، قید گاهی واژه‌ای یا گاهی کل معنی جمله را به مفهوم معینی محدود می‌سازد. در زبان فارسی، اعضای اصلی جمله نیز می‌توانند در کنار خود وابسته (متمم) داشته باشند. قید در هر دو زبان هیچگاه با واژه دیگر در حالت مضاف و مضاف‌الیه قرار نمی‌گیرد، بلکه ارتباط نحوی مجانبت برقرار می‌کند. مقایسه قید در هر دو زبان نشان می‌دهد که برخی ساختارها، در هر دو زبان، از لحاظ اعضای جمله، از یکدیگر متفاوت‌اند که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ارتباط نحوی، وابسته قید، پسوند، پیشوند، متمم

مقدمه

در این مقاله، سعی شده وجه تمایز قید، در زبان روسی و فارسی، بررسی شود. در هر دو زبان، قید یکی از اجزای کلام است. یکی از ویژگی‌های مهم زبان روسی، تغییرناپذیری قید، به عنوان بخشی از اجزای کلام است. هر چند در این باره بین زبان‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد، ولی بیشتر زبان‌شناسان، قید را تغییرناپذیر می‌دانند. با مقایسه اعضای جمله در دو زبان، می‌توان متوجه شد، که در کدامیک از ساختارها نهاد وجود دارد و در کدام یک از ساختارها نهاد در یکی از حالت‌های صرفی قرار می‌گیرد. یکی از روش‌های تدریس زبان بیگانه به زبان‌آموزان، تدریس مقایسه‌ای ساختارهای متفاوت دو زبان است. به همین علت، مؤلف سعی در مقایسه قید در زبان‌های روسی و فارسی دارد.

بحث و بررسی

ابتدا به ارائه نظرات مختلف زبان‌شناسان، درباره تعریف قید می‌پردازیم. ناتل خانلری در کتاب *دستور زبان فارسی* قید را این‌گونه توصیف می‌کند: «کلمه یا عبارتی که چگونه انجام یافتن فعل را بیان می‌کند «قید» خوانده می‌شود». (ناتل خانلری، ۱۳۸۰، ص ۷۰)

ناتل خانلری گروه‌بندی کاملی از قید را ارائه نمی‌کند. وی فقط از قید حالت و چگونگی، مکان و زمان آن نام می‌برد؛ اما برخی از زبان‌شناسان روسی، قید را واژه‌ای تغییرناپذیر محسوب نمی‌کنند، چرا که آنان وجود قید تفضیلی را همان قید تغییر کرده می‌دانند. (کاساتکین، ۲۰۰۱، ص ۶۲۰)

قریب در کتاب *دستور پنج استاد*، درباره قید چنین آورده است: «قید از ارکان اصلی جمله و کلمه‌ایست که مفهوم فعل یا صفت یا کلمه دیگر را به چیزی از قبیل زمان، مکان، حالت و چگونگی مقید می‌سازد». (قریب، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹)

در کتاب *دستور زبان فارسی* ۱، ۲ قید را به صورت زیر تعریف کرده‌اند: «قید (کلمه یا گروهی از کلمات) است، که در ساختار جمله‌های زبان، در درجه نخست، فعل و در درجه دوم، دیگر اجزای جمله و گاهی نیز کل مفهوم جمله را به موضوع معینی، محدود و مقید می‌سازد». (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۹۵)

احمد شفایی درباره یکی از ویژگی‌های قید می‌نویسد: «ظروف هرگز در حالت اضافه با فعل قرار نمی‌گیرد، بلکه با افعال پیوند نحوی مجانبت برقرار می‌کند» (شفایی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱). به نظر نگارنده، شفایی در این مورد، محق است، زیرا در زبان فارسی، قید با واژه بعدی به هیچ شکلی در پیوند نحوی مضاف و مضاف‌الیه قرار نمی‌گیرد، بلکه قید با واژه دیگر، معمولاً، پیوند نحوی مجانبت (примыкание) برقرار می‌کند. مثال: او تند می‌دود. در این مثال قید و فعل می‌دود با یکدیگر پیوند نحوی مجانبت برقرار کرده‌اند. قید فعل در زبان روسی و فارسی، گاهی ممکن است دو قید با قید دیگر یا سایر اجزای کلام توسط پیوند نحوی به یکدیگر مربوط شده باشند. مانند:

Очень хорошо, ослепительно белый

صفت قید قید قید

در مثال‌های یاد شده، از لحاظ نحوی، یک واژه، وابسته به واژه دیگر است. در هر دو زبان، برخی از قیدها در کنار خود می‌توانند متمم داشته باشند. مانند:

Я прочитал много книг.

متمم قید

در مثال بالا قید کمیت много، از لحاظ نحوی، متمم کتاب در حالت اضافی دارد. در زبان فارسی، قید برتر نیز می‌تواند، از لحاظ نحوی، در کنار خود متمم داشته باشد. مانند: برادر من از من بهتر می‌نویسد.

متمم قید برتر

در جمله یاد شده، قید برتر با متمم از من پیوند نحوی برقرار کرده است. برخی از قیدها، می‌توانند به جای گزاره یا مسندالیه و یا در ترکیب گزاره یا مسندالیه به کار روند. قیدهای یاد شده، به هیچ وجه به عنوان ظرف (обстоятельство) در جمله به کار نمی‌روند. برخی از پژوهشگران از قیدهای یاد شده به عنوان گزاره غیر شخصی (безлично-предикативное слово) نام می‌برند. مانند:

1- Вам надо идти домой.

گزاره غیر شخصی

2- В комнате холодно.

گزاره غیر شخصی

در زبان فارسی، گزاره غیر شخصی جملات یاد شده به طرق مختلف بیان می‌شود. گاهی

این نقش را کلمات معین ایفا می‌کنند. مانند:

من باید به خانه بروم.

واژه معین

وزین پور، در کتاب *دستور زبان فارسی* می‌نویسد: «باید، شاید، گویی، گفتی، پنداری و

پنداشتی از کلماتی هستند که میان فعل با قید مشترکند» (وزین پور، ۱۳۶۹، ص ۱۳۹)

به نظر من، میان واژه‌های «باید، شاید» از لحاظ پیوند نحوی با سایر کلمات یاد شده،

تفاوت فاحشی وجود دارد. واژه باید و شاید از لحاظ نحوی، باعث می‌شوند تا فعل جمله به

صورت مضارع التزامی به کار رود، در صورتی که سایر واژه‌ها دارای چنین ویژگی نیستند و

فعل جمله با توجه به مفهوم کلی گوینده، می‌تواند در هر سه زمان قرار گیرد. مانند: گویی او

به تهران خواهد رفت. (می رود، رفته است)

گاهی ساختار بدون شخص زبان روسی، در زبان فارسی توسط مسند بیان می‌شود. مانند: Мне

жарко.

در زبان روسی در ساختار یاد شده نهاد وجود ندارد.

با بررسی ساختارهای مشابه در زبان فارسی، متوجه می‌شویم که در این گونه ساختارها،

برخلاف زبان روسی، نهاد یا مسند به کار رفته است.

هوای اتاق سرد است.

مسند مسندالیه فعل ربطی

در زبان فارسی، همانطوری که می‌بینیم، ساختارهای مشابه از سه جزء مسند، مسندالیه و

فعل ربطی تشکیل می‌شوند، در صورتی که جمله زبان روسی فاقد نهاد است.

با مقایسه دو جمله شماره ۱ و ۲ با یکدیگر، متوجه می‌شویم که در هر دو جمله زبان

روسی، نهاد وجود ندارد. در جمله اول نهاد منطقی، در حالت متممی قرار گرفته و در جمله

دوم، در زبان روسی، در چنین ساختارهایی، بطور کلی نهاد به کار نمی‌رود. در زبان فارسی در

هر دو جمله، دقیقاً برخلاف زبان روسی، نهاد من و هوا به کار رفته است. در زبان روسی در جملات مشابه شماره ۲، نهاد در مفهوم کلی جمله پنهان است.

نجفی، از یک سو قید را به عنوان ظرف (ظرف زمان- مکان) می‌شناسد و از طرف دیگر عقیده دارد: «به این دسته از تکواژها که نقش خود را از راه معنای خود نشان می‌دهند و مقوله «قید» نمونه‌ای از آن است، تکواژ خود سامان می‌گویند». (نجفی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱)

در باره جایگاه قید در زبان فارسی، زبان‌شناسان نظرات مشابهی دارند. ماهوتیان در کتاب *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی* جایگاه قید را معمولاً، قبل از فعل و صفت مشخص کرده است. نامبرده در ادامه بحث قید در زبان فارسی، قیدها را با توجه به معنی، به قید وافر (زیادی حرف می‌زند)، قید مشهود (بسیار واضح حرف می‌زند) و قید ملایم (نسبتاً زود رسید) و غیره تقسیم می‌کند. (ماهوتیان ۱۳۸۲، صص ۲۵۷-۲۵۶)

اما در زبان روسی، زبان‌شناسان درباره قید نظرات متفاوتی دارند. برخی از آن‌ها مانند نویکف، در صورتی که قیدها با اسم همراه باشند، آن‌ها را صفات غیر قابل تغییر و برخی دیگر از زبان‌شناسان، مانند کامینینا، قیدهای همراه اسم را قید محسوب می‌کنند (کاستامارف، ۲۰۰۳، ص ۴۹۱). مانند:

Рыба по-польски

(صفت غیر قابل تغییر) قید

Соседи напротив

(صفت غیر قابل تغییر) قید

روبینچیک در کتاب *دستور زبان فارسی معاصر* از واژه قید ضمیر گونه^۱ نام می‌برد که دارای ویژگی‌های قید و ضمیر است. مانند: **کجا** می‌روید؟ **چرا** آمدی؟
قید ضمیر گونه قید ضمیر گونه

(روبینچیک، ۲۰۰۱، ص ۶۲۰)

کامیار وحیدیان در کتاب *دستور زبان فارسی ۱* می‌نویسد: «جمله از سه گروه فعلی، اسمی و قیدی درست می‌شود. گروه قیدی بخشی از سخن است که فعل به آن نیازمند نیست

و به همین دلیل از جمله قابل حذف است. گروه قیدی جنبه توضیحی دارد.» (وحیدیان، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴)

اینک به بررسی اشتقاق قید از سایر کلمات می‌پردازیم.
در زبان روسی قیده‌ها می‌توانند به حرف اضافه تبدیل شوند. مانند:

Близ, вдоль, возле, вслед

(لاپاتین ۱۹۹۰، ص ۲۶۳)

با توجه به ساختار برخی از حروف اضافه مرکب، می‌توان ادعا کرد که این‌گونه حروف نیز از قید مشتق شده‌اند. مانند:

Вблизи от, вместе с, вслед за

در زبان روسی، در ساختار برخی از قیده‌ها می‌تواند پسوند به‌کار رود. مهم‌ترین پسوندهایی، که در ساختار قید به‌کار می‌رود، عبارتند از:

Еват, оват, по, пре, онок, енок و غیره

در زبان فارسی، فقط پسوند تر می‌تواند در ساختار قید به‌کار رود و پسوندهای دیگر در واژه‌سازی قید شرکت نمی‌کنند. در زبان روسی، پسوندهای متعددی می‌توانند به قید اضافه شوند و معنی قید را تا حدودی تغییر نقش پسوندهای مشابه زبان روسی را، در زبان فارسی، واژه‌های مختلف به عهده دارند. مانند:

Зленовато

پسوند

در مثال بالا پسوند-оват- معادل واژه کمی در زبان فارسی است.

قید می‌تواند از انواع مختلف کلام ساخته شود مانند:

ساخت قید از صفت فلفل تند - او تند می‌دود

صفت قید

قید را می‌توان از صفت‌های بسیاری با کمک پسوند ساخت: دلیر+انه، جسور+انه،

خردمند+انه

در زبان روسی و فارسی، برای ساخت قیده‌های تفضیلی معمولاً قواعد مشخصی وجود

دارد. ولی گاهی برخی از قیده‌های تفضیلی، از قواعد مشخصی پیروی نمی‌کنند و هنگام ساخت آن‌ها در ریشه قید دگرگونی به وجود می‌آید. مانند:

Много – больше خوب – بهتر

در زبان فارسی گروه‌های قیدی می‌توانند ساده یا مشتق باشند. گروه ساده قیدی، مانند: خوب، بد، سریع، تند و غیره. گروه قیدی مشتق مانند: مردانه، جسورانه، شبانه و غیره.

در زبان روسی تقریباً از تمام اجزاء کلام می‌توان قید ساخت:

Ночь – ночью قید مشتق از اسم

Хороший – хорошо قید مشتق از صفت:

Три – втроем قید مشتق از عدد:

Нехотя – не хотеть قید مشتق از فعل:

قیده‌های تئوین‌دار از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و به صورت گسترده‌ای به‌کار می‌روند. مانند: نسبتاً، بعداً، غفلتاً، دفعتاً و غیره.

برخی از زبان‌شناسان، متمم‌های قیدی و واژه‌های مکرر را نیز زیر مجموعه قید به‌شمار می‌آورند. مانند: با اتومبیل، بی کتاب، با او، لنگان لنگان، خرامان خرامان، آهسته آهسته.

به نظر من، ترکیب‌های با اتومبیل، بی کتاب، با او را نمی‌توان با قیده‌های مکرر لنگان لنگان و آهسته آهسته و خرامان خرامان در یک ردیف قرار داد، چرا که سه ترکیب اول متمم‌اند و از لحاظ کاربرد در جمله با قیده‌های یاد شده متمایزند. قیده‌های یاد شده، معمولاً با فعل پیوند نحوی برقرار می‌کنند، در صورتی‌که سایر واژه‌ها، با حرف اضافه به‌کار رفته‌اند و می‌توانند به عنوان متمم در کنار فعل قرار گیرند. مانند:

او با اتومبیل سواری به تهران رفت. او امروز بی کتاب ماند. با او نمی‌شود صحبت کرد.

متمم متمم متمم

او لنگان لنگان در اطراف خانه اش قدم می‌زند، او آهسته آهسته به سوی خانه‌اش می‌رود.

قید فعل فعل قید فعل

در زبان روسی، دقیقاً ترکیب‌های با اتومبیل، بی کتاب و با او متمم محسوب می‌شوند.

برخی از زبان‌شناسان در گروه بندی قید، از گروه قیدی مشترک با گروه اسمی زبان

فارسی نام می‌برند.

۱- فردا خیلی دیر است.

اسم

۲- فردا او خواهد آمد.

قید

در زبان روسی نیز چنین وجه مشترکی بین قید و اسم وجود دارد که فقط از لحاظ نقش نحوی قابل تفکیک‌اند. مانند:

Завтра он будет у нас.

قید

Завтра будет поздно.

اسم

در جمله شماره ۱ زبان فارسی، واژه فردا از، لحاظ نحوی، مسند و در جمله شماره ۲ واژه فردا، از لحاظ نحوی قید زمان، برای فعل خواهد آمد محسوب می‌شود. همان‌طوری‌که می‌بینید، یک واژه می‌تواند، از لحاظ نحوی، در جملات مختلف، نقش‌های متعددی را به عهده داشته باشد.

قید، می‌تواند در جمله نقش‌های متعددی ایفا کند:

۱- وابسته فعل:

او سریع دوید.

قید فعل

۲- وابسته صفت:

او از راهرو کاملاً روشن عبور کرد.

قید صفت

۳- وابسته قید:

او همیشه زود از خانه خارج می‌شود.

قید قید

۴- وابسته مسندالیه: او بسیار خوشحال شد.

قید مسندالیه

۵- وابسته مفعول: او را گرفته دیدم.

مفعول قید

در جمله یاد شده، صفت مفعولی (گرفته) نقش قید را ایفا می‌کند.

به نظر من در زبان فارسی، گاهی از لحاظ معنی، برخی از قیده‌ها، که شکل آن‌ها، شباهت زیادی به متمم دارند، می‌توانند همزمان وابسته و عضو جمله محسوب شوند. به مثال زیر توجه کنید:

او با چشمان گریان وارد کلاس شد.

قید با چشمان گریان در جمله یاد شده، از لحاظ معنی کامل جمله، می‌تواند از یک سوی وابسته نهاد او و از سوی دیگر وابسته فعل وارد شد باشد.

شریعت، در کتاب دستور زبان فارسی برخی از ترکیب‌های صفت و موصوف را که دارای معنی زمانی باشند، قید محسوب می‌کند. مانند:

او روز گذشته وارد شد، او روز شنبه آمد. (شریعت، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰).

صفت و موصوف (قید) مضاف و مضاف‌الیه (قید)

در زبان فارسی، گاهی ترکیب متشکل از چندین واژه، گروه قیدی را تشکیل می‌دهد. مانند: احمد دست از پا درازتر به خانه بازگشت. احمد با خونسردی شگفت‌انگیزی حرف می‌زد.

گروه قیدی گروه قیدی

یکی از ویژگی‌های جالب قید در زبان فارسی و روسی آن است که به راحتی، بدون تغییر در معنی جمله، می‌توان آن را حذف کرد. مثال:

Он хорошо читает. Он читает.

قید

او با خوشحالی هر چه تمامتر با من روبرو شد. او با من روبرو شد.

گروه قیدی

بلاشاپکوا در کتاب دستور زبان روسی معاصر می‌نویسد: «برای تشخیص قید از اسم در زبان روسی می‌توان به صورت زیر عمل کرد. در صورتی که بتوانیم قبل از واژه مورد نظر، صفت را به‌کار ببریم، با اسم مواجه می‌شویم، اما اگر پیش از واژه مورد نظر نتوانیم صفت به‌کار ببریم، این واژه قید است. مانند:

Шёл берегом. Шёл высоким красивым берегом.

قید

صفت

صفت

قید

Волосы ёжиком.

قید

(بلاشاپکوا، ۱۹۸۹، ص ۵۱۵).

همانطوری که ملاحظه می‌کنید، از لحاظ نحوی، کاربرد صفت قبل از واژه **берегом** بلامانع است، پس واژه یاد شده اسم است. در مثال دوم کاربرد صفت قبل از واژه **ёжиком** از لحاظ خاصیت ترکیب‌پذیری، امکان‌پذیر نمی‌باشد، پس واژه یاد شده قید است. گاهی در زبان روسی، قید می‌تواند در جملات شخصی به عنوان گزاره به کار رود. مانند:

Друзья – рядом.

قید

Отец - дома.

قید

این‌گونه ساختارها، از جملات بی‌شخص، کاملاً از لحاظ ساختار جمله متفاوت‌اند. در جملات بی‌شخص، نهاد یا مسند یا فاعل وجود ندارد، بلکه در جملات یاد شده، واژه‌های **отец** و **друзья** نهاد جمله محسوب می‌شوند.

در زبان روسی، ترکیب قید با اسم می‌تواند دارای معانی مختلفی باشد. مانند:

Встреча вечером.

Дорога домой.

نقش پسوند یا پیشوندهایی که در زبان روسی به قید متصل می‌شوند، در زبان فارسی با کاربرد سایر واژه‌ها بیان می‌شود. مانند:

Красновато, прекрасно.

پیشوند پسوند

در مثال‌های یاد شده، همانطوری که ملاحظه می‌کنید، پسوند-**оват** - به قید معنی محدودیت داده: **(کمی)** و پیشوند-**пре** را به قید معنی خیلی یا فوق‌العاده داده است. همانطوری که پیش‌تر گفته شد، در زبان فارسی فقط پسوند تر می‌تواند به قید اضافه

شود. معانی پسوندهای مشابه زبان روسی، در زبان فارسی توسط سایر واژه‌ها بیان می‌شود. فرشیدورد در کتاب *دستور مفصل امروز* می‌نویسد: بعضی از صفت‌ها با افزودن صفتی دیگر، قوی یا ضعیف می‌شوند. مانند: «آبی سیر»، «آبی کم رنگ»، «قرمز کم رنگ»، و «آبی آسمانی»، (فرشیدورد ۱۳۸۲، ص ۲۶۵)

نتیجه‌گیری

قید در هر دو زبان، واژه یا تمام جمله را به معنی خاصی مقید می‌کند و می‌تواند، بدون تغییر معنی کلی جمله، حذف گردد.

اگر تقسیم‌بندی سنتی را در هر دو زبان بپذیریم، قیده‌ها دارای معانی مشابه (زمان، مکان و حالت) می‌باشند. نقش پسوند و پیشوند به کار رفته در ساختار قید زبان روسی، در زبان فارسی، به غیر از قید برتر، با کمک واژه‌های دیگر بیان می‌شود. قید با سایر واژه‌ها، بدون داشتن هیچ‌گونه خصوصیت ظاهری، ترکیب می‌شود و از لحاظ شکل ظاهری از سایر ارتباط نحوی متمایز می‌باشد.

قید در زبان روسی، می‌تواند به جای گزاره به کار رود و تشکیل جملات با شخص و بی‌شخص را دهد. قید در زبان فارسی، به تنهایی، هیچگاه در ساختار گزاره به کار نمی‌رود. در زبان فارسی قید و صفت از لحاظ شکل ظاهر شبیه یکدیگرند، وجه تمایز آن‌ها در جمله، همان نقش نحوی آنها است.

منابع

- ۱- شریعت، محمدجواد، *دستور زبان فارسی*، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۵.
- ۲- شفقایی، احمد، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، خوشه، تهران، ۱۳۶۳.
- ۳- فرشیدورد، خسرو، *دستور مفصل امروز*، انتشارات سمن، تهران، ۱۳۸۲.
- ۴- قریب، عبدالعظیم (پنج استاد)، *دستور زبان فارسی*، نشر جهان، تهران، ۱۳۸۰.
- ۵- ماهوتیان، شهرزاد، *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه سمائی مهدی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲.
- ۶- ناتل خانلری، پرویز، *دستور زبان فارسی*، توس، تهران، ۱۳۸۰.

- ۷- نجفی، ابوالحسن، *مبانی زبان‌شناسی کاربردی در زبان فارسی*، نیلوفر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۸- وحیدیان، کامیار، تقی، *دستور زبان فارسی (۱)*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.
- ۹- وزین‌پور، نادر، *دستور زبان فارسی*، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- یوسفی، حسین علی، *دستور زبان فارسی ۱ و ۲*، نشر روزگار، تهران، ۱۳۷۹.
- 11- Белошапкова, В.А., *Современный русский язык*, «Высшая школа», Москва, 1989 г.
- 12- Касаткин, Л.Л., *Русский язык*, «АСАДЕМА», Москва, 2001.
- 13- Лопатин, В.В., *Русская грамматика*, «Русский язык», Москва, 1990.
- 14- Рубинчик, Ю.А., *Грамматика современного персидского языка*, «Восточная литература», РАН, Москва, 2001.

